

از سلسله مقالات در باره بازگشت چپ و آینده اصلاحات در آمریکای لاتین

چرا نیروهای ضد بازار آزاد تقویت شده اند؟ مسئولیت ها و انتقاد از خود

" پیروزی چپ لزوماً به معنی شکست اقتصاد آزاد نیست . حکومت گران جدید می توانند از اقتصاد آزاد نیز حمایت کنند. مشکل احساس مردم نسبت به سیستم است مشکل بازگشت چپ نیست . مشکل بازگشت تمایلات ضد بازار آزاد است" از متن مقاله.

بازگشت چپ ؟ یا بازگشت تمایلات ضد بازار آزاد:

همان گونه که عنوان این سلسله مقالات "بازگشت چپ و آینده اصلاحات در آمریکای لاتین" اشاره دارد اکنون عکس العمل شده‌ی علیه جهانی شدن و کاپیتالیسم بین الملل وجود دارد. به عنوان مثال در کتابی نوشته نا امی کلاین بنام "دکترین شوک: ظهور فاجعه کاپیتالیسم" ادعا می شود که گر چه جایگزین هائی برای بازار آزاد وجود دارد ولی این سیستم ها عمدتاً در اختیار گروهی نخبه و با امتیازات خاص قرار دارد. در اواخر دهه هشتاد مردم تصور می کردند که تنهایک سیستم اقتصادی در جهان وجود دارد و آن هم سیستم اقتصاد بازار است. اما اکنون در آمریکای لاتین و بقیه دنیا بسیاری از دولت ها از نقش شرکت های چند ملیتی ناراضی بوده و تعهدات اقتصاد آزاد و تجارت جهانی را رد کرده و علیه کاپیتالیسم سخن می گویند.

مورخ و اقتصاد دان کلمبیائی می گوید که آمریکای لاتین از زمانی که استقلال خود را از اسپانیا بدست آورد به دفعات مختلف کوشید که از آمریکا و اروپا تقلید کندو هر 5 تا 15 سال به سمت بازار آزاد حرکت می کرد ولی مجدداً به بولیسیسم و ضدیت با اقتصاد آزاد بر می گشت. امروز دو باره این عقیده غالب است که اقتصاد بازار جوابگوی جامعه امریکای لاتین نیست. اخیراً کمزیک در این جهت حرکت کرد و ونزوئلا نیز آزادی اقتصادی را محدود کرده و عیناً این وقایع نیز در بولیوی و اکوادور اتفاق افتاده است.

یاد آوری این مطلب مهم است که اقتصاد بازار همواره نه در آمریکای لاتین و نه در هیچ قاره ای به طور مستمر حاکم نبوده است. علیرغم سلطه یک صد ساله اقتصاد آزاد بر قاره اروپا در سالهای 1917-1918 و بعداً سالهای 1930 همه چیز به هم ریخت. این مسئله در آسیا و اروپا نیز اتفاق افتاد و می توان نتیجه گرفت که هنوز فرمول مشخصی برای موفقیت های اقتصادی نداریم.

این دنگ شیائوپینگ رهبر حزب کمونیست چین بود که اقتصاد این کشور را به اقتصاد آزاد تبدیل نمود. امروز از جمعیت 1/3 میلیاردی چین 250 میلیون در شرق چین زندگی می کنند که برخوردار از حقوق مالکیت و در شرکت هاگی که در چهار چوب رقابت در بازار آزاد فعالیت می کنند مشغول به کار هستند. در تشابه با مورد چین، در کشورهای آمریکای لاتین نیز اقتصاد آزاد در چهارچوب حکومت های دموکراتیک به وجود نیامد. به عنوان مثال کسی که اقتصاد پرورا به اقتصاد آزاد تبدیل کرد، آلبرتو فوجی موری بود. چین نیز با مشکلات امریکای لاتین دست به گریبان است. تنها در سال 2006 به گفته مقامات

دولتی چین این کشور با بیش از 75000 اعتراض و شورش علیه اقتصاد آزاد و کاپیتالیسم در منطقه شرق روبرو بوده است.

بنا بر این چپ هم می تواند از سیاست اقتصاد آزاد حمایت کند ولی مشکل این جاست که برای رسیدن به قدرت از احساسات ضد بازار آزاد بهره می گیرند و جنبه های منفی آن را برای تحریک مردم به کار می گیرند بدون اینکه موارد مثبت آن را یاد آوری کنند. مشکل همان گونه که گفته شد بازگشت چپ نیست. بازگشت ضدیت با اقتصاد آزاد است. مردم پرو می خواهند بدانند چگونه اقتصاد کلان می تواند علاوه بر سود رساندن به شرکت های بزرگ و سنتی به بخش های غیر رسمی نیز منفعت برساند. این جاست که می بینیم بیشتر مشتریان انستیتوی آزادی و دموکراسی را چپ ها تشکیل می دهند. تخیلات بیشتر و توضیحات بهتر:

یکی از دلایل پیشروی نیروهای ضد بازار آزاد بر میگردد به عدم تخیل کسانی که نتیجه بحران در اقتصاد آزاد را به شکست کاپیتالیسم نسبت می دهند. به عنوان مثال در زلزله 15 اگوست 2007 در پرو بسیاری از مردم از عدم کارائی سیستم دولتی انتقاد کردند. همان گونه که پس از هر فاجعه ای در کشورهای توسعه نیافته اتفاق می افتد. ولی واقعیت این است که بزرگترین مشکل دولت این بود که هیچکدام از این املاک به نام افراد به ثبت نرسیده بود و دولت نمی توانست مالکین آن ها را شناسائی کند. در همین رابطه در سال 2001 اداره ثبت املاک پرو اشتباه فاحشی مرتکب شد و بخشی از مسئولیت های خود را به شهرداری ها واگذار کرد. این عمل که ظاهراً در راستای عدم تمرکز بود و دولت به زعم خود به دموکراتیزه کردن ثبت املاک اقدام کرده بود عملاً مانند این بود که بانک مرکزی به هر شهرداری اجازه دهد که پول خود را چاپ کند و این عمل به معنی بی ارزش کردن پول ملی بوده و نابسامانی عمیقی را به وجود می آورد. و حال آن که پول قوی محور اصلی اقتصاد آزاد است. بدون پول معتبر هیچگونه سرمایه گذاری عملی نیست.

اهمیت ثبت املاک و پیگیری ایمنی در ساخت خانه های مردم در مثال دیگری خود را نشان می دهد. در سال 2004 در ایران زلزله هائی با قدرت 7.06 ریشتر بیشتر از 50 هزار نفر کشته داد و حال آن که زلزله با همین قدرت در سانفرانسیسکو بیش از 12 کشته نداشت. این فرق را چگونه می توان توضیح داد؟ فرق در این جاست که قانون مدونی برای ایمنی در ساخت خانه ها در ایران نبود و یا اجرا نشده بود و ساخت با مصالح یا کیفیت بد و عدم وجود قانون در این زمینه این فاجعه را آفرید. دو فاجعه دیگر را که به عنوان مثال می توان نام برد طوفان کاترینا در نیواورلئان و سونامی آسیای جنوب شرقی در سال 2004 است. پس از کاترینا نخستین کاری که شهرداری نیواورلئان انجام داد بازیابی اسناد مالکیت املاک مردم که خیس شده بود و انتقال آن ها به مکان امن (شیکاگو) بود. این اسناد بعدها به نیواورلئان برگردانده شد و به صورت دیجیتال در آمد. گر چه انتقادهای فراوانی به نحوه کمک رسانی در مورد کاترینا وارد است ولی در این مورد مقایسه آن با سونامی جنوب شرقی آسیا نشان می دهد که اکثریت مردم در فاجعه سونامی هرگز نتوانستند املاک ثبت نشده خود را بدست بیاورند. در مورد اهمیت وجود حقوق مالکیت بسیاری مواقع کوتاه بینی نیز وجود دارد. در اقتصاد آزاد وجود قانون مالکیت به معنی صلح و آرامش نیز می باشد. در بسیاری از مناطق دنیا مانند قبرس، گرجستان، اسرائیل، فلسطین و چین وانو(فیلیپین) تلفات زیادی در اثر

منازعات بر سرزمین و مالکیت به بار آمده است. هر قطعه زمین و ملکی قانونا ثبت شده است و مالک دارد.

در کشور پرو در دوران فعالیت گروه های تروریستی بیشترین حوزه در آمد گروه " راه درخشان" در مناطق رودخانه هوالاگا و آپوریماک بود که املاک آن به ثبت نرسیده بود. حقوق قانونی مردم در مورد املاکشان رعایت نمی شد. زمانی که پرزید نت گارسیا رئیس جمهور پرو شروع به ثبت و قانونی کردن املاک این مناطق کرد منابع مالی راه درخشان در این مناطق کاهش یافت.

تاسف آور است آنان که به اقتصاد آزاد اعتقاد دارند هرگز نخواستند با بهره گیری از داده های متقاعد کننده ثابت کنند که اقتصاد آزاد می تواند دولت های کار آمد به وجود آورد. فقر زدائی کند و خشونت را کاهش دهد. در عوض آن چه دائما عنوان می کنند شکست سوسیالیسم است. ولی راجع به شکست های خود سخن نمی گویند. بانک توسعه آمریکا مطالعه ای در زمینه کمپانی های آمریکای لاتین انجام داد. هدف این بررسی تحقیق در باره توان مندی های کمپانی ها در زمینه صادرات، حمل و نقل، تهیه اسناد صادراتی و مشتری یابی است.

این مطالعات نشان می دهد که تنها 7 درصد کمپانی های مکزیکی، 12 درصد پروئی و متوسط 7 درصد آمریکای لاتین، قادر به صادرات می باشند و حال آن که در اقتصاد جهانی صادرات از محورهای اقتصاد آزاد محسوب می شود و برای بسیاری از شرکت های آمریکای لاتین به دلیل عدم دانش مربوط به آن عملی نمی باشد.

این مسئله برای آنان که به بازار آزاد اعتقاد دارند بسیار مهم است که درک کنند که چگونه می توانند از ابزارهای اقتصاد آزاد به نحو ی استفاده کنند که منافع اکثریت را سبب شود به جای آن که در خدمت افراد معدودی باشد و کوشش کنند که شهر وندان معمولی نیز از این مزایا استفاده کنند. به عنوان مثال در سال 1990 که در پرو قانونی کردن مالکیت آغاز گردید. مشکل اصلی فقط ثبت املاک نبود. بلکه صدها مشکل دیگر نیز وجود داشت که می بایست همزمان حل شود. به عنوان مثال ثبت ازدواج در پرو نیز چنان مراحل پیچیده ای داشت که عملا بسیاری از ازدواج ها به صورت غیر رسمی بود و چنانچه شوهر زنی فوت می کرد آن زن حقی در مورد اموال مرد نداشت. دولت پرو با استفاده از مشاوره بانک توسعه، ثبت ازدواج را بسط ساده کرد و این مشکل را رفع نمود. برای شناسائی مشکلات لازم است که به حرف مردم گوش داده شود. آن ها هستند که از نابسامانی رنج می برند. به جای آن که راه حل ها از بالا دیکته شود باید نظرات آن ها را در حل مشکلات لحاظ کرد.

طرح ثبت املاک و ازدواج، حمایت های چپ و راست و تقریبا همه گروه ها را داشت و موفقیت آن نشان داد که امکان توافق چپ و راست در زمینه هائی که به منافع مردم مربوط می شود عملی است.

کمیسیون سازمان ملل برای رفع فقر را افرادی چون لارنس سامر وزیر سابق خزانه داری آمریکا، گوردون براون نخست وزیر انگلیس و افراد دیگری از جمله اعضای خانواده سلطنتی قطر و اردن تشکیل دادند تا برنامه اقتصادی تدوین کنند که موافقت تمام طبقه های سیاسی را جلب کند.

از جمله ماموریت ه ای دیگر این گروه شناخت از گروه های ذی نفعی بود که برای جلوگیری از این اصلاحات، حمایت گروه های قدرتمندی را داشتند و اخلاص می کردند. به

عنوان مثال کمپانی های چند ملیتی از طریق کمپانی های محلی حق اکتشاف و بهره برداری از معادن را به دست آورده و مالکیت آن را به ثبت می دادند بدون آن که به افراد بومی که این زمین ها متعلق به آن ها بود حق و حقوقی پرداخت کنند. همین کمپانی ها به عنوان مثال در آلاسکا که قوانین روشن مالکیت دارد مجبور هستند به اسکیموها سهمی از منافع پردازند. مشاهده می شود که چنانچه قوانین مالکیت به نحو اساسی اصلاح شود کمپانی های بزرگ قادر نیستند حق مالکین محلی را حتی اگر به نام آنها به ثبت نرسیده باشد ضایع کنند .

اگر اصلاح طلبان در پرو یا سایر کشورهای آمریکای لاتین از شکست و پیروزی های خود بیاموزند آن ها از بازگشت تمایلات ضد بازار آزاد چه از ناحیه چپ بلشد و چه از ناحیه راست مشکلی نخواهند داشت.

آثار اصلاحات اقتصادی بانک توسعه بین سالهای 1992-2007 در پرو

* با کمک مرکز بین المللی موسسات بخش خصوصی 382100 کسب و کار جدید عمدتاً متعلق به طبقات کم در آمد به وجود آمد.

* هشت و نیم میلیون نفر پروئی زیر خط فقر صاحب ملک خود شدند.

* 1/7 میلیون املاک شهری بین سالهای 1991-2007 به وجود آمد.

* فعالیت های اقتصادی تازه تاسیس شده 554000 شغل جدید به وجود آورد و 70.7

میلیارد دلار افزایش مالیات را سبب شد.

* دوره ثبت مالکیت از متوسط 300 روز در گذشته به تنها یک روز کاهش یافت.